

نگاهی به راهبرد امنیتی هسته‌ای ایران پس از ناکامی آژانس انرژی اتمی و نهادهای بین‌المللی

در ابهام بمانید

سیده مهدیه قرشی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

امنیت ملی کشورها همواره به‌انکای نظم بین الملل و نهادهای چندجانبه تضمین می‌شدد؛ اما در دنیای امروز، ناکارآمدی سازمان‌هایی مانند سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مواجهه با تهدیدات پیچیده و بحران‌های منطقه‌ای و جهانی، پرسش‌سی اساسی را مطرح می‌کند: آیا این نهادها توان مقابله با واقعیت‌های نوین امنیتی را دارند؟ و در این شرایط، ایران چگونه می‌تواند امنیت و تمامیت ارضی خود را حفظ کند؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم بازتعریف مفاهیم امنیت ملی و بازدارندگی در چهارچوبی متناسب با واقعیت‌های منطقه‌ای و جهانی است. در جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، تأسیسات هسته‌ای ایران در حملاتی پیش‌دستانه، هدف قرار گرفتند؛ حملاتی که نه تنها امنیت ملی کشور را به شدت تهدید کرد، بلکه فاقد توجیه حقوقی و مشروعیت بین‌المللی بود و نقض آشکار قواعد حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. درحالی‌که نهادهای بین‌المللی در مقابل این تجاوزات سکوت کردند یا واکنش مؤثری نشان ندادند، ایران ناچار به بازنگری در راهبردهای امنیتی خود شده و به سمت مدل‌های بازدارندگی فناوریانه، مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها و دیپلماسی فعال حرکت کرده است. این یادداشت با تمرکز بر این سؤال اصلی، به بررسی پیامدهای ناکارآمدی نهادهای جهانی و راهبرد نوین امنیتی ایران می‌پردازد.

■ ■ ■

■ **سایه سنگین ناکارآمدی؛ نهاد‌های بین‌المللی**

نهادهای بین‌المللی که قرار بود تضمین‌کننده صلح و امنیت جهانی باشند، بارها در مقابله با بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ناکارآمدی خود را نشان داده‌اند. این ناکارآمدی‌ها پرسش اساسی درباره توانایی نظم جهانی در تضمین امنیت کشورها، به ویژه در شرایط پیچیده کنونی را مطرح می‌کند. تجربه ناموفق جامعه ملل پیش از جنگ جهانی دوم، نخستین نمونه آشکار از ناکارآمدی نظام چندجانبه در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. این نهاد به دلیل ضعف‌های ساختاری، فقدان اقتدار اجرایی و تضاد منافع اعضا، نتوانست از وقوع یکی از خون‌بارترین جنگ‌های تاریخ جلوگیری کند. پس از پایان جنگ، سازمان ملل متحد با هدف رفع نقایص جامعه ملل تأسیس شد، اما این سازمان نیز به واسطه ساختار مبتنی بر منافع قدرت‌های بزرگ، به ویژه حق وتو اعضای دائم شورای امنیت، بارها در مواجهه با بحران‌های جهانی ناتوانی خود را آشکار ساخته است. همچنین نمونه‌های بارزی همچون ناتوانی در جلوگیری از تجاوز عراق به کویت و ناکامی در مدیریت بحران‌های پیچیده سوریه و یمن، محدودیت‌های ذاتی این سازمان را نمایان کرده است. در کنار سازمان ملل، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از دهه ۱۹۵۰ به‌عنوان نهادی فنی و ناظر بر فعالیت‌های هسته‌ای شکل گرفته، در بحران هسته‌ای ایران به تدریج به ابزار سیاسی تبدیل شده است. گزارش‌های آژانس در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ درباره «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته‌ای ایران – که عمدتاً مبتنی بر اطلاعات ارائه‌شده توسط طرف‌های ثالث بود – نمونه‌ای از سوگیری‌های سیاسی این نهاد است. این موارد نشان می‌دهد نهادهای بین‌المللی در شرایط پیچیده رقابت‌های ژئوپلیتیکی چندقطبی، نه تنها قادر به تضمین امنیت کشورها نیستند، بلکه خود به مانعی در مسیر حل بحران‌ها تبدیل شده‌اند. این واقعیت موجب شده است کشورهایی مانند ایران، به منظور حفظ امنیت و تمامیت ارضی خود، به اتخاذ راهکارهای داخلی و مستقل روی آورند.

■ **راهبرد متناسب با شرایط منطقه‌ای و منافع ملی**

با توجه به ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی در تضمین امنیت و جلوگیری از تهدیدهای هدفمند علیه زیرساخت‌های حساس، ایران بر ضرورت طراحی و اجرای راهبردی نوین و متناسب با شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد. این راهبرد مبتنی بر تقویت بازدارندگی فناوریانه، مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها و اتخاذ دیپلماسی چندسطحی است که خلأهای امنیتی موجود را پر کرده و ایران را از کشوری آسیب‌پذیر به بازیگری تأثیرگذار و بازدارنده تبدیل می‌کند. یکی از محورهای کلیدی این رویکرد حفظ توانمندی‌های هسته‌ای در چهارچوب خطوط قرمز تسلیحاتی و با رویکرد «ابهام راهبردی» است. این سیاست بر توسعه ظرفیت‌های فنی، مکان‌یابی مراکز حساس در نقاط امن و

مقاوم‌سازی زیرساخت‌های حیاتی تمرکز دارد. هدف اصلی، افزایش هزینه هرگونه اقدام خصمانه علیه کشور است تا بازدارندگی واقعی ایجاد شود.

■ **پیامدهای امنیتی شکست نهاد‌های بین‌المللی**

ناکامی نهادهایی مانند آژانس انرژی اتمی و سازمان ملل در مقابله با حملات هدفمند و خرابکاری‌ها علیه تأسیسات ایران، خلأ امنیتی عمیقی در نظام بین‌المللی به وجود آورده است. پیامدهای این وضعیت در سطح منطقه‌ای و جهانی را می‌توان در چند حوزه مورد توجه قرار داد:
- **تضعیف نظام چندجانبه‌گرایی و اعتبار حقوق بین‌الملل**: ارتباطات پنهان نهادها با طرف‌های مهاجم یا سکوت آن‌ها در برابر تهدیدات، اعتماد عمومی کشورها به نظم بین‌المللی را کاهش داده و به افزایش گرایش کشورها، به ویژه ایران، به سیاست‌های خوداتکایی و منطقه‌ای منجر شده است.
- **تشویش رفتارهای مخرب و تجاوزکارانه**: عملکرد ضعیف نهادهای بین‌المللی موجب تداوم اقدامات مخرب رژیم‌هایی مانند رژیم صهیونیستی شده که بدون ترس از مجازات به خرابکاری و عملیات نظامی علیه ایران ادامه می‌دهند. این روند تنش‌ها و ناامنی منطقه‌ای را افزایش داده است.
- **ایجاد چرخه بی‌اعتمادی و تشدید بحران‌ها**: راهبرد ایران در تقویت بازدارندگی فناوریانه و اتخاذ سیاست ابهام راهبردی، به رغم افزایش توان دفاعی، ممکن است بی‌اعتمادی متقابل و سوءتفاهم‌های امنیتی را تشدید کند و فضا برای اراحل‌های دیپلماتیک را محدود سازد.

بنابراین، ایران با استفاده از راهبردی ترکیبی، ضمن تقویت ظرفیت‌های داخلی، امکان تعامل هوشمندانه و چندسطحی با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌کند تا توان بازدارندگی خود را افزایش داده و به ثبات و امنیت پایدار منطقه کمک کند.

■ **راهبرد نوین ایران در مقابله با تهدیدات هسته‌ای**

ایران با تجربه ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی در پرونده هسته‌ای خود، به سمت راهبردی مبتنی بر خوداتکایی فناوریانه و دیپلماسی فعال حرکت کرده است. این رویکرد نه تنها امنیت ملی را تقویت کرده، بلکه ظرفیت حضور مؤثر ایران در عرصه جهانی را نیز افزایش داده است.

■ **خوداتکایی فناوریانه**

جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌ها با سیاست‌های توسعه فناوری‌های هسته‌ای، ظرفیت‌های علمی و صنعتی قابل توجهی ایجاد کرده است که فراتر از کاربردهای صلح‌آمیز، به ابزاری کلیدی در ساختار قدرت بازدارنده تبدیل شده است. این خوداتکایی فناوریانه، استقلال فناوری را افزایش داده و وابستگی به منابع خارجی را کاهش داده است. از منظر فنی، توسعه فناوری‌های غنی‌سازی اورانیوم و چرخه سوخت هسته‌ای نمایانگر سرمایه‌گذاری مستمر



به پژوهش و توسعه است. این امر علاوه بر بومی‌سازی فناوری، جایگاه ایران را در مذاکرات بین‌المللی تقویت کرده و به موضعی قدرتمند و مستقل در تعاملات دیپلماتیک منجر شده است.

از سوی دیگر، خوداتکایی فناوریانه آسیب‌پذیری ناشی از فشارهای خارجی را کاهش داده و به عنوان عامل بازدارنده‌ای مؤثر، قدرت چانه‌زنی ایران را در عرصه جهانی افزایش داده است. این رویکرد در حوزه‌های امنیت سایبری و مهندسی پیشرفته نیز توسعه یافته تا پاسخگویی به تهدیدات چندجانبه تضمین شود.

■ **دیپلماسی فعال؛ تلاش برای بازتعریف قواعد جهانی**

در کنار پیشرفت‌های فناوریانه، ایران سیاست دیپلماسی فعال را به عنوان راهبردی کلیدی در مدیریت تهدیدات و فرصت‌های بین‌المللی دنبال می‌کند. این سیاست مبتنی بر اصول چندجانبه‌گرایی، تعامل سازنده با بازیگران منطقه‌ای و جهانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی است. درواقع ایران با اتخاذ دیپلماسی فعال، به دنبال بازتعریف نقش خود در نظم منطقه‌ای و جهانی است. مذاکرات وین (۲۰۲۳-۲۰۲۱) برای احیای برجام، نمونه‌ای از تلاش ایران برای مدیریت بحران هسته‌ای از طریق گفت‌وگوهای چندجانبه است. ایران همچنین با پیوستن به سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۳ و امضای توافق راهبردی ۲۵ساله با چین، شبکه‌ای از روابط منطقه‌ای و جهانی ایجاد کرده که به توازن در برابر فشارهای غرب کمک می‌کند. همکاری با کشورهای همسایه، مانند میانجی‌گری عمان در مذاکرات غیرمستقیم با ایالات متحده یا تقویت روابط اقتصادی با عراق، به کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک کرده است. در حوزه دیپلماسی عمومی، شبکه‌هایی مانند پرس‌تی‌وی و حضور فعال در مجامع بین‌المللی، مانند مجمع عمومی سازمان ملل، تصویر ایران را به‌عنوان بازیگری مسئول و مستقل تقویت کرده است. این رویکرد چندسطحی، ضمن حفظ خطوط قرمز امنیتی، امکان تعامل سازنده با جامعه جهانی را فراهم آورده است.

■ **مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها**

حملات سایبری و خرابکاری‌های هدفمند علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، اهمیت مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها را به‌وضوح نشان داده است. ایران در واکنش به این تهدیدات، با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های حفاظتی، ایجاد سیستم‌های پشتیبان و توسعه سامانه‌های تشخیص زودهنگام، امنیت زیرساخت‌های حیاتی را تضمین می‌کند. این اقدامات نه تنها ریسک آسیب‌پذیری را کاهش می‌دهد، بلکه به تقویت اعتماد ملی و ارتقای بازدارندگی کل نظام کمک می‌کند. به علاوه، مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها به ایران امکان می‌دهد در شرایط بحران، عملکرد خود را حفظ کرده و پاسخ مناسب به تهدیدها بدهد.

■ **آینده‌ای پرچالش**

یا فرصت برای بازتعریف امنیت منطقه‌ای؟

ناکارآمدی و سیاست‌های منفعلانه یا جانبدارانه سازمان‌هایی چون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل متحد، موجب شده‌اند تا تهران در چهارچوبی نوین و متناسب با واقعیت‌های منطقه‌ای و جهانی، راهبرد امنیتی خود را بازتعریف کند.

۱- **بازتعریف مفهوم امنیت ملی در مواجهه با نهادهای ناکارآمد**: امنیت ملی دیگر تنها به معنای تکیه بر نهادهای بین‌المللی و معاهدات جمعی نیست. ایران با حرکت به سمت مدل‌های بازدارندگی چندلایه، مبتنی بر فناوری پیشرفته، مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها و دیپلماسی فعال، در تلاش است امنیت خود را به صورت جامع و پایدار تضمین کند.

۲- **نقش ایران به عنوان بازیگر مستقل و استراتژیک در نظم منطقه‌ای**: راهبرد بازدارندگی غیرتسلیماتی، نه‌صرفاً پاسخی به تهدیدهای نظامی، بلکه نشانه تکوین بازیگری مستقل است که با اتکا بر توان فناوریانه و امنیت زیرساختی، در پی حفظ تعادل منطقه‌ای و تغییر قواعد بازی به نفع خود است.

۳- **ضرورت بازنگری و اصلاح نهادهای بین‌المللی**: ناکامی سازمان‌های بین‌المللی در حمایت از ایران در برابر تجاوزات آشکار، زنگ خطری برای کل نظام چندجانبه است. این نهادها باید ساختارها و مکانیسم‌های نظارتی و تحریمی خود را اصلاح کنند تا از انفعال و جانبداری پرهیز شود و امنیت جمعی تحقق یابد.

۴- **فرصت‌ها و ریسک‌های پیش‌رو**: بازدارندگی غیرتسلیماتی ایران می‌تواند هزینه هرگونه حمله احتمالی را افزایش دهد و موقعیت تهران را تثبیت کند، اما این راهبرد نیز با خطراتی چون تشدید بی‌اعتمادی‌ها، پیچیده‌تر شدن رقابت‌های منطقه‌ای و احتمال بروز سوءتفاهم‌های خطرناک همراه است که مستلزم دیپلماسی هوشمندانه و تعامل مداوم با جامعه جهانی است.

■ **فرجام**

در شرایطی که نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی در برابر تجاوزات آشکار علیه تأسیسات حیاتی ایران، سکوت کرده و شواهد سوگیری در عملکرد نهادهایی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ازجمله گزارش‌های مبتنی بر اطلاعات طرف‌های ثالث، اعتماد ایران به نظام نظارتی بین‌المللی را کاهش داده است، تهران دست به بازتعریف راهبرد امنیتی خود زده است. این بازدارندگی «بدون بمب»، تلاشی برای حفاظت از منافع ملی در جهانی است که قواعد بازی دیگر به طور کامل رعایت نمی‌شوند. مدل جدید امنیتی ایران، ترکیبی است از فناوری پیشرفته، مقاومت زیرساختی و دیپلماسی فعال؛ رویکردی که اگرچه پرخطرانه است، اما شاید تنها گزینه واقع‌گرایانه‌ای باشد که ایران در مواجهه با دنیای بی‌ثبات و نهادهای ناکارآمد می‌تواند از آن بهره گیرد.

درنهایت، آینده امنیت منطقه و حتی نظم بین‌الملل در گروی توانایی نهادهای جهانی برای بازسازی اعتماد و بازگرداندن کارایی به نظام چندجانبه‌گرایی است؛ امری که بدون آن، کشورهای مستقلی چون ایران ناچار به ادامه مسیر خوداتکایی و بازدارندگی فناوریانه خواهند بود.

آنچه جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با ناکارآمدی سازمان‌های بین‌المللی و بحران هسته‌ای درپیش گرفته نه تنها واکنشی به شرایط موجود است، بلکه می‌تواند الگویی برای کشورهایی باشد که در دنیای پیچیده و پر تنش امروز به دنبال حفظ استقلال و امنیت خود هستند. با این حال، موفقیت این راهبرد منوط به مدیریت هوشمندانه ریسک‌ها، توسعه روابط منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش برای اصلاح نهادهای جهانی است. ایران پیام روشنی به جهان ارسال کرده است؛ امنیت و عزت ملی، حق مسلم هر کشوری است و تنها از طریق ترکیبی از فناوری، دیپلماسی و اراده قوی قابل تضمین است. در عین حال، برای بازسازی اعتماد به نظام چندجانبه، نهادهایی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید مکانیسم‌های نظارتی مستقل‌تری ایجاد کنند و از وابستگی به اطلاعات جهت‌دار طرف‌های خاص اجتناب ورزند. در شورای امنیت، کاهش قدرت وتو یا ایجاد سازوکارهای پاسخگویی شفاف‌تر می‌تواند به افزایش کارایی این نهادها کمک کند. ایران می‌تواند با ارائه پیشنهاد‌های اصلاحی در مجامع بین‌المللی، نقش سازنده‌ای در این بازسازی ایفا کند.

۴ **سلاح هسته‌ای؛ بلیت حاکمیت کشورها در نظم جدید بین‌المللی**

فروپاشی توافقات سنتی بین‌المللی در مورد کنترل تسلیحات هسته‌ای و تمایل جمعی کشورهای جهان به سوی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای آخرین محوری است که از سوی تحلیلگران واشنگتن پست مورد توجه قرار می‌گیرد. در این راستا واشنگتن پست می‌نویسد توافقات ایالات متحده و شوروی در دوران جنگ سرد موجب شده بود تا اقدامات و راستای محدودیت استفاده و گسترش سلاح‌های هسته‌ای و همچنین منصرف کردن سایر کشورها از پیگیری دستیابی به تسلیحات هسته‌ای انجام گیرد. اما به نظر می‌رسد اکنون این معماری امنیتی در حال فروپاشی است. آن گونه‌که واشنگتن پست از تحلیلگران فارین افرز نقل قول می‌کند، توافقات هسته‌ای موجود بین ایالات متحده و روسیه در مورد سلاح‌های مستقر در هر یک از این کشورها سال آینده منقضی خواهد شد، درحالی‌که افزایش ذخایر هسته‌ای چین، رشد مداوم زرادخانه‌های کره شمالی و تلاش‌های تأخیری ایالات متحده برای نوسازی هسته‌ای، تهدیداتی را برای واشنگتن ایجاد کرده است. در مواجهه با این ایهامات جدید حتی متحدان ایالات متحده- از کره جنوبی گرفته تا آلمان و عربستان سعودی- ارزش تقویت سلاح‌های هسته‌ای خود را درک کرده‌اند و بدین ترتیب «ظهور قدرت‌های هسته‌ای بیشتر، صرف‌نظر از اینکه آن‌ها متحدان ایالات متحده هستند یا خیر، جعبه پاندورایی را باز می‌کند که واشنگتن برای بسته نگاه‌داشتن آن دهه‌ها چنگیده بود.» بر همین اساس کورت ولکر، سفیر سابق ایالات متحده در ناتو می‌گوید: «بسیاری از کشورها اکنون فکر می‌کنند سلاح‌های هسته‌ای بلیت حاکمیت هستند. اگر ما رفتار خود را تغییر ندهیم و من انتظار ندارم که ما این کار را انجام دهیم، جهانی که ۲۰ سال دیگر در آن زندگی خواهیم کرد، جهانی با تعداد زیادی از کشورهای دارای سلاح هسته‌ای خواهد بود.»

فره‌نخ‌نگان

رایج



چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۴



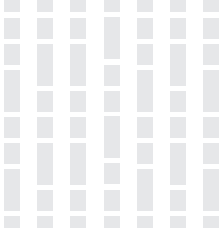
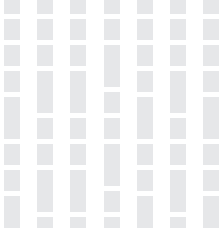
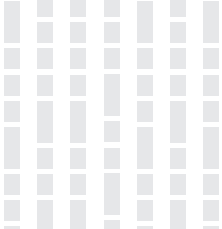
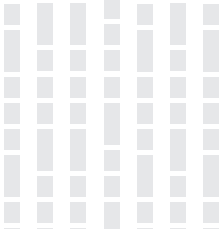
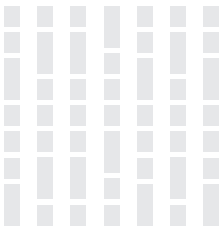
شماره ۴۴۵۰



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE



تحلیل واشنگتن پست از تبعات حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران همه چیز به اراده سیاسی تهران بستگی دارد!



میراحمدرضا مشرف

پژوهشگر مسائل بین‌الملل

مداخله آشکار ایالات متحده در جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران و اقدام تانگو در بمباران تأسیسات هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان، بحث‌های زیادی را در محافل سیاسی آمریکا در مورد نحوه اثرگذاری و پیامدهای این مداخله نظامی به وجود آورده است. در یکی از آخرین موارد از این سلسله بحث‌ها، روزنامه واشنگتن پست اخیراً تحلیلی را به قلم دو تن از تحلیلگران سیاسی خود منتشر کرده است که از جهات متعددی می‌تواند درخور توجه و تأمل باشد. دریک نگاه اجمالی می‌توان تحلیل ارائه شده از سوی واشنگتن پست را در ۴ محور مورد توجه قرار داد.

■ ■ ■

۱ **مداخله نظامی آمریکا در ایران چه دستاوردی داشته است؟**

این اولین نکته مهمی است که از سوی تحلیلگران واشنگتن پست مورد توجه قرار می‌گیرد. آن‌ها به این نکته اشاره می‌کنند که به هیچ عنوان مشخص نیست عملیات پیوستن هوایماهای جنگی ایالات متحده به کارزار جنگ علیه ایران، چه مقدار از برنامه هسته‌ای این کشور را نابود و یا غیرقابل استفاده کرده است. در این مورد به نظر می‌رسد ارزیابی‌های اعلام شده از جانب ترامپ از دقت لازم برخوردار نیستند. واشنگتن پست در این زمینه به صحبت‌های رافائل گروسی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استناد می‌کند که از احتمال حفظ توانایی ایران برای از سرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خبر می‌دهد. گروسی با این اظهار نظر که ایران می‌تواند در عرض چند ماه دوباره سانتریفوزها را به چرخش درآورد، عملاً اطمینان ایجاد شده از سوی ترامپ و متحدانش در مورد نابودی توانایی ساخت سلاح اتمی از سوی ایران